



نامیر کارا خلیلوویچ *



سراج القلوب



کتاب سراج القلوب، یکی از آثار کمتر شناخته‌شده قدیم نثر فارسی است. این کتاب را می‌توان جزو آثار تعلیمی نثر دانست. در مقدمه‌ای کوتاه، به جنبه تعلیمی این اثر به صراحت اشاره می‌شود: «... تا پندی باشد مر خوانندگانرا؛ اگر ازیشان کسی چیزی پرسد، جواب بتوانند دادن و آفریده‌های ایزد عز و جل را بدانند.»

مؤلف کتاب

درباره مؤلف کتاب، هیچ اطلاعی در دست نیست. نام وی در نسخه‌های مختلف کتاب، به شکل‌های گوناگون آمده است. تاسندی قطعی در باب نام مؤلف به دست نیاید. صلاح در آن دیده‌ایم که مؤلف را چنانکه در نسخه‌ی اساس متن مصحح آمده است، بنامیم و نام وی را «ابومنصور سعید بن محمد قطان غزنوی» بدانیم.

عصر زندگانی مؤلف نیز مشخص نیست. تنها بر اساس ویژگی‌های سبکی متن (که در این باره در مقدمه بتفصیل سخن به میان آمده است) و تأثیر احتمالی مؤلف از برخی آثار، می‌توان با احتیاط احتمال داد که عصر زندگانی وی نباید پیش از اواخر قرن پنجم یا اوایل قرن ششم بوده باشد.

ساختار کتاب

کتاب سراج القلوب، در نسخه‌ی اساس، عبارت است از چهل و سه فصل مستقل که ترتیب و عناوین آنها به شرح زیر است:

۱. صفت آفرینش این جهان

* دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.

۲. صفت نخستین چیز که بیافرید
۳. صفت آسمانها
۴. صفت نام زمینها
۵. صفت آفرینش بهشت
۶. صفت آفرینش دوزخ
۷. صفت مرغان آسمان
۸. صفت درخت طوبی
۹. صفت ترازوی قیامت
۱۰. صفت صراط و بگذشتن بر وی
۱۱. صفت عرش و کرسی
۱۲. صفت حاملان عرش
۱۳. صفت عدد پیغمبران
۱۴. صفت ملک الموت
۱۵. صفت منکر و نکیر
۱۶. صفت بیت المعمور
۱۷. صفت کوه قاف
۱۸. صفت جزایی شهرها
۱۹. صفت صور اسرافیل
۲۰. صفت قفل آسمانها
۲۱. صفت گور روان
۲۲. صفت آن بیچ تن که ایشانرا مادر و پدر نبود
۲۳. صفت غرق شدن فرعون
۲۴. صفت بنده دهنده سلیمان
۲۵. صفت بانگ کردن مرغان
۲۶. صفت بنای نخستین

۲۷. صفت بلندترین چیزها

۲۸. صفت مایده عیسی

۲۹. صفت اصل دریا

۳۰. صفت جرجیس

۳۱. صفت پدر چهل ساله و پسر صدویست ساله

۳۲. صفت اخلاق پیغمبران

۳۳. صفت پیغامبران زنده

۳۴. صفت سخن کودک در شکم

۳۵. صفت بردن پیغمبران به آسمان

۳۶. صفت عصا زدن موسی

۳۷. صفت زنده شدن پیغمبران

۳۸. صفت اصحاب الرّس

۳۹. صفت اصحاب اخذود

۴۰. صفت دعوی کردن شدّاد بخدای

۴۱. صفت صحیفه‌های داود

۴۲. صفت گور سلیمان پیغمبر

۴۳. صفت بلوقیا رحمة الله

در آغاز هر فصل، یک سؤال مطرح می‌شود. سپس جوابی اجمالی و مختصر، معمولاً در حد یک یا دو جمله، می‌آید و پس از آن به جواب مفصل پرداخته می‌شود. به این ترتیب، متن هر فصل، در واقع، حکم یک جواب طولانی به سؤال مطرح شده‌ی آغازی را دارد.

مطالب کتاب و گروه بندی فصلها

چنانکه از عناوین فصلها برمی‌آید، می‌توان آنها را به سه بخش عمده تقسیم کرد:

۱. فصلهای مربوط به عقاید دینی

در این بخش، بیست و چهار فصل جای گرفته است. در میان بعضی از آنها، می‌توان تشابه موضوعی بیشتری یافت: تعدادی از فصلها به مسائل مربوط به آفرینش (مانند آغاز آفرینش، مدت آفرینش، نخستین چیزی که آفریده شد، آفرینش آسمانها و زمینها...) اختصاص دارند؛ در برخی از فصلها، به وصف عده‌ای از مظاهر اخرون (مانند بهشت، دوزخ، مرغان بهشت، جوی کوثر و درخت طوبی، عرش و کرسی، حاملان عرش...) پرداخته شده است؛ در بعضی فصلها، وصف آنچه در انتظار انسان پس از مرگ وی می‌باشد (مانند پرسیدن منکر و نکیر از مرده، بردن روح انسانها به آسمان و بازگرداندن آن به کالبد جسمانی‌اش، سه مرحله دمیدن اسرافیل در صور، برکشیدن کردارهای انسانها در ترازوی قیامت، عبور از صراط...) آمده است. تشابه نسبی موضوعی بین «صفت دعوی کردن شدّاد بخدای» و «صفت بلندترین چیزها» به چشم می‌خورد؛ در این دو فصل، ذکر دو حاکم کافر آمده است که با خداوند ادعای برابری کردند و سرانجام دچار شکستی مهلک شدند.

دیگر فصلهای مربوط به عقاید دینی، از لحاظ موضوع و مطالب ایراد شده، با فصلهای دیگر همسانی چندانی ندارند. در میان آنها، می‌توان به فصل «صفت اصل دریا» و روایت جالبی درباره‌ی عاقبت آب همه‌ی دریاها در آخر زمان که در این فصل آمده است، اشاره کرد.

۲. فصلهای مربوط به پیغمبران

در این بخش، هیجده فصل آمده است. در بعضی از آنها (مثل بخشهای فصل «صفت آن پنج تن که ایشانرا مادر و پدر نبود» که به صالح پیغمبر(ع) و رویارویی موسی(ع) با ساحران اختصاص دارند، فصل «صفت مایده عیسی» و «صفت جرجیس»)، به بازگویی گزاردن رسالت بعضی از پیغمبران در میان قومهای ایشان پرداخته شده است. جریان این گونه

بلوقیا شد و در ایشانرا دعا کرد و حضرتت تو ای کرمه انعامی بلوقیا مقسه
ندیش کینت حضرتت محمد علیه السلام باقر زمان پرورن آید بلوقیا کنت
تا خرابیتها از اوست و می باشم حضرتت است و می بوقت باشم بدو زد و بیک
چون مسیح بدیدم من بلوقیا را کنت حتم ترا کن بلوقیا حتم است و بیک
بلوقیا را کنت و زمان اندر من است و بلوقیا را بر زمین نهاد و
کنت حتم با کن بلوقیا حتم با کن و حتمش را بعد از یافت و نیزه یک مادری
خوبش رفت و مادرش بر بام بود بلوقیا را بد نزدیک و خروش برداشت
و از بام فرود و بد و بکناد کرفت و بجای مادر در افت دومردمان مسعرا
نبردند بلوقیا را بدیدند و خرها بر رسیدند بلوقیا آنچه دیده بود
ایش را کنت مردمان عجب مانند مادری بلوقیا کنت مرغی
دیدم از آسمان فرود آمد و بلوقیا را
بر زمین نهاد و باز در سوار رفت
و اندامها را بر سراب و در المرح و کنت
عام که کس سماع الحامض الله المثل بعد
فما عسر سؤلله با کن فی الخ حتمش عسر حتمه

طوفان جز
م



فصلها کم و بیش یکسان است : حضور پیغمبری در میان قومی کافر و بت پرست (که معمولاً حاکم آن قوم، بدسیرت و ستمکار است)، دعوت به یکتاپرستی از سوی پیغمبر و نهی از راه شرک، تقاضای ارائه معجزه از طرف کافران، ارائه معجزه (یا معجزات) پیغمبری، پایداری کافران بر شرک و احیاناً عذاب دادن پیغمبران، و سرانجام مجازاتی که قوم کافر گرفتار آن می‌شود. در فصلهای «صفت اصحاب الرّس» و «صفت اصحاب اخدود»، جریان ذکر شده تقریباً رعایت شده است، ضمن اینکه به جای پیغمبران، نقش اصلی را کسانی ایفا می‌کنند که می‌توان آنها را «اولیای خدا» نامید.

در چند فصل مربوط به پیغمبران، مطالبی درباره حالات، آزمایشها و گاه مجازاتهایی پرداخته می‌شود که بعضی از پیغمبران با آنها رو به رو می‌شدند. فصلهای «صفت گور روان» درباره سرگذشت یونس (ع)، بخش «صفت آن پنج تن که ایشانرا مادر و پدر نبود»، مختص به حادثه قربان کردن اسماعیل (ع) توسط پدرش ابراهیم (ع)، «صفت پدر چهل ساله و پسر صدویست ساله» درباره عزیز (ع)، «صفت صحیفه‌های داود» و «صفت غرق شدن فرعون»، از این قبیل فصلها به شمار می‌آیند.

در فصلهایی مانند «صفت پند دهنده سلیمان»، «صفت

عصا زدن موسی» و «صفت سخن کودک در شکم»، مطالبی درباره ویژگی‌های منحصر به فرد بعضی پیغمبران یا ابزار خاصی که بعضی از آنها در اختیار داشتند، آمده است. در چند فصل این بخش، مطالبی درباره ویژگیهای مشترک بعضی از پیغمبران آمده است. فصلهای «صفت پیغمبران زنده»، «صفت بردن پیغمبران به آسمان» و «صفت زنده شدن پیغمبران»، از این گونه فصلها به شمار می‌آیند.

در میان فصلهای مربوط به پیغمبران که با دیگر فصلهای این بخش تشابه موضوعی ندارند، می‌توان به فصل «صفت اخلاق پیغمبران» اشاره کرد. در این فصل، روایت کمیابی درباره ذوالکفل (ع) آمده است. بنابر این روایت، ذوالکفل زاهدی بود از قوم بنی‌اسرائیل. وی به گناهکاران توبه کرده ضمانت می‌کرد که توبه آنان در درگاه الهی پذیرفته خواهد شد.

۳. «صفت بلوقیا رحمة الله»

فصل «صفت بلوقیا رحمة الله»، با فصلهای دو بخش پیشین هیچ پیوند موضوعی ندارد. در این فصل، سرگذشت افسانه‌وار جوان یهودی بلوقیا نام آمده است. پدر بلوقیا، رهبر دینی بنی‌اسرائیل در یکی از شهرهای مصر بود. پس از وفاتش، بلوقیا بر جای وی نشست. از قضا، روزی بلوقیا می‌فهمد که پدرش همه مطالب مربوط به وصف و ستایش پیغمبر اسلام (ص) را از تورات حذف کرده تا مردم آگاه نشوند و به محمد (ص) نگروند. بلوقیا سخت دل‌سرد می‌شود و تصمیم می‌گیرد که به دنبال پیغمبر اسلام (ص) برود تا بلکه جزو امت وی شود... مطالب عجیبی مانند دیدار بلوقیا و همراهش عقان با درختان و گیاهانی که حرف می‌زنند، رویارویی با جانوران مختلف و دیوان نگهبان گور سلیمان (ع)، وصف موجودات غریبی که وظایف خاصی دارند، عبور از هفت دریا، دیدار بلوقیا با فرشتگان و حضرت خضر (ع)، روایت جالب دیدار و صحبت بلوقیا با ابلیس... در این فصل بتفصیل آمده است.

این داستان عجیب را که ظاهراً جزو روایات اسرائیلی است، به عبدالله بن سلام نسبت داده‌اند و قدیم‌ترین مأخذ یافت شده آن، کتاب قصص الأنبياء، ثعلبی نیشابوری است^۲ (در این باره و منابع احتمالی دیگر فصلهای کتاب، در مقدمه بتفصیل سخن گفته شده است).

تفصیل القلوب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 سبب و سببش مردمان را حل طایفه آنار تدرت اورجهه روزی
 تپانت و انوار حکمت اور در دل شب تار در نشان بخشاننده که تا ونگه
 مدعمت و ستان کرد جاری کنش شدت را لب هردوشان کرد انید
 و در درخت مستطقی علیه السلام گشتید و سولان و خاتم پیغمبران است
 علیه السلام بود آنک این کتابت که تصف کرد خواجه امام ابو منصور محمد
 بن محمد النطنان الهزونی رحمه الله علیه و اندروی عجایبهای پشیمان و قصص
 این و صفت آفرینش صاحب مرغان اسما بنعم صفت درخت طو
 صفت ترازوی قیامت صفت عرش و کرسی صفت آفران این جهان صفت
 پیغمبران در وقت ملک الموت صفت سنگ بیکر صفت سینه المعجور
 صفت کوه قاب صفت نعل اسما صفت صومعه روان صفت کلبه
 اسما صفت با ماری پریان صفت دعوی فرعون قبلی صفت عرق نین
 فرعون صفت پند دادن مورچه صفت بانک کردن مرغان صفت تخمین
 صفت بلندترین چیزها صفت مائط صفت جرجیس پیغمبر صفت
 عصبی موس خواننده کارا اگر از ایشان کسی چیزی پرسد جواب نتوانند دادن
 و آن در جای از برشته و جل را بدانند و این سلسله است که محمودان از تدرت

۵. نسخه کتابخانه غازی خسرو بگ (ساریوو). شماره
 (۲) ۲۱۱۳، ۴۵ برگ، تاریخ کتابت مشخص نیست (احتمالاً در
 قرن ۱۷ میلادی).

ارزشهای کتاب

۱. صرف نظر از آنچه در کتب تفسیر آمده است، کتاب سراج القلوب یکی از قدیم‌ترین آثار فارسی در زمینه داستانهای پیغمبران به نظر می‌آید.
۲. ساختار کتاب و روش منظم کاربرد سؤال و جواب در آغاز سر فصل، جالب توجه است.
۳. هر چند که بعضی از مطالب این کتاب، با دست‌آوردهای علم امروز و حتی علم روزگار تألیف آن، سازگاری ندارد، این مطالب نشان دهنده باورها، سطح شناخت و طرز تفکر عموم مردم آن زمان است.
۴. گذشته از بعضی روایات کم‌یاب و نایابی که در کتاب سراج القلوب آمده است، باید به این موضوع اشاره کرد که فصل پایانی کتاب، «صفت بلوقیا رحمة الله» غیر از اشاراتی مختصر، در هیچ کدام از آثار ادب فارسی به حجم و گستردگی آن در کتاب حاضر نیامده است.
۵. نثر این کتاب بسیار ساده و روان، و در عین حال محکم است؛ از این رو می‌توان آن را یکی از ارزشهای کتاب دانست.

گفت که درترین خبری در جهان چیست گفت این دنیا است
 که هر چند دور با شکی عاقبت از دنیا دور افتی سلسله ششم
 گفت بایدترین خبری در دنیا چیست گفت عمل سلطان سلسله
 بنهم گفت تو اگر از دنیا چیست گفت تداست مردم سلسله ششم
 گفت که از نسل سختی تو در جهان چیست گفت دل نماند سلسله
 نهم گفت که از آن تن سوزان تو در دنیا چیست گفت حرم مرا
 سدا هم گفت در جهان مرد پیشتر است یا زن گفت مرد
 گفت هر که گفت از نظر آنکه مرد بود و مرد است و زن نماند
 فو اهرم سدا یا زدم گفت در دنیا ابا دانی پیشتر است
 یا فرزای گفت فرزای گفت هر که گفت از نظر آنکه ابا خراب است
 خراب است و از ابا دانست خراب فو اهرم سدا یا زدم
 گفت در جهان مرد پیشتر است یا زن گفت زن گفت هر که گفت
 از جهول که زن خود زشت دان مرد که بفراوان زشت است
 و چون سیمان علیه السلام ابراهیم را جواب بر داد و گفته

نسخه‌های کتاب

- از کتاب سراج القلوب نسخه‌های زیادی به جای مانده است. قدیم‌ترین نسخه‌ها در خارج از ایران نگهداری می‌شوند و در تصحیح متن به کار رفته‌اند:
۱. نسخه موزه بریتانیا (لندن)، شماره Or1231، ۶۷ برگ، تاریخ کتابت ۶۲۵ هـ.
 ۲. نسخه کتابخانه دارالکتب (قاهره)، شماره ۱۳۲۶، ۹۹ برگ، تاریخ کتابت ۹۶۸ هـ.
 ۳. نسخه کتابخانه عمومی بایزید (استانبول)، شماره 3703، ۱۰۶ برگ، تاریخ کتابت ۹۸۵ هـ.
 ۴. نسخه کتابخانه ملی (پاریس)، شماره 41 (فیلم شماره ۷۴۱ دانشگاه تهران)، ۹۸ برگ، تاریخ کتابت ۱۰۴۳ هـ.

پی نوشتها:

۱. در مقدمه کتاب آمده است که سوالات آغازی فصلها، از سوالاتی است که یهودان به پیغمبر (ص) و حضرت علی (ع) مطرح کرده بودند.
۲. ر. ک: ثعلبی، احمد بن محمد: قصص الأنبياء المسمی بالعراس، مكتبة الكليات الأزهرية (بی تا)، ص ۱۹۵.
۳. ر. ک: ترجمة تفسیر طبری، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۲۵۹؛ مجمل التواریخ و القصص، به تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران، کلاله خاور، ۱۳۴۱، ص ۴۳۵.

Miras Maktoob@apadana.com
 www.magiran.com/Ayene-ye-Miras